گفتاری کوتاه درباره آستراخان

1-چشم‏انداز

آسترا خان( Astrakhan )یا برونگاه جنوبی روسیه‏ ناحیه‏ای است به مساحت 44 هزار کیلو متر مربع که‏ جمیعتی بیش از یک میلیون متشکل از 100 تیره قومی را در خود جای دهده است.آسترا خان در شمال غربی دریای‏ خزر بین دو رود بزرگ ولگا( volga )و آختیوبا( Akhtuba ) واقع است که به دریای خزر فرو می‏ریزند و در مصب دلتای‏ بزرگی را تشکیل می‏دهد.ولگا،صولانی‏ترین رود اروپا 3700 کیلو متر درازا و در چند نقطه آن برای تولید نیروی‏ برق سدسازی شده است.آب و هوای این ناحیه در سال به‏ طور متوسط دارای دمای 10 درجه سانتیگراد و دامنه‏ تغییرش بعلاوه 42 و منهای 40 درجه سانتیگراد است.این‏ ناحیه دارای منبعهای سرشار از ذخیره‏های طبیعی معدنی‏ است که مایه شکوفایی و آبادانی اقتصادی آن شده‏اند. مرکز این ناحیه شهر آسترا خان است که در ملتقای این دو رود واقع است.

2-چهره طبیعی

ناحیه آسترا خان باریکه‏ای از خاک است در طول رودهای‏ ولگا و آختیوبا افزون بر این دو رود،بیش از 800 رود کوچک‏ و نهر در آن ناحیه روان است و همه قابل ناورانی.با وجود افراط و تفریط دما در سراسر سال،آسترا خان اقلیمی آفتابی‏ و گرم دارد و فراوانی آب یکم دهم ناحیه را می‏پوشاند. مساحت جنگلهای این ناحیه بالغ بر یازده هزار هکتار است.

3-چهره‏ی اجتماعی و سیاسی

از رهگذار آسترا خان(که در گذشته برای ایرانیان به‏ نامهای حاجی طرخان و هشتر خان شناخته می‏شد)روسیه‏ به دریای خزر،کشورهای آسیای میانه(آذربایجان، قزاقستان،ترکمنستان)و ایران دسترسی دارد.بیش از 100 تیره قومی جمعیت بیش از یک میلیون آن را تشکیل‏ می‏دهند.عمده مردم آن به نسبتهای زیر 72%روسها، 13%قزاقها،7%تاتارها برشمرده می‏شوند.و این تیره‏های‏ قومی و مذهبی با نامهای گونه‏گون‏ کالمیکها،چچنها،آلمانها،بلوروسیها،یهودیان،ارمنیها،به‏ اضافه تیره‏های دیگر طی قرنها با آداب و رسمهای‏ مخصوص خود باهم به سلامت و گرمدلی زیسته‏اند به‏ طوری که حدومرزشان ناپدید شده است.تیره‏های قومی‏ به قرار زیر است:روسها(000،715)نفر، قزاقها(000،127)نفر،تاتارها(000،72)نفر،و اوکراینیها(000،19)نفر،شهر آسترا خان با جمعیت‏ 000،512 نفر مرکز این ناحیه است.

4-چهره‏های اقتصادی

وجه امتیاز این ناحیه کوچک باریک که دارای اقتصادی‏ متنوع و پررونق است،بیش از همه به سبب منابع‏ و ذخیره‏های طبیعی غنی و سپس تنوع جمعیت‏ با استعدادهای متفاوت است.در آسترا خان بیش از 2000 کارگاه و کارخانه فعالیت دارند و درصد سهمشان‏ در تولید ملی ناحیه به قرار زیر است:فعالیت‏های غذائی‏ شامل شیلات 33%،صنعتهای سبک 24%،مهندسی‏ مکانیک و فلزکاری 14%،صنعتهای الکترونیرو و شیمیائی‏ و نفت اهمیت کمتری دارد و 5/7 درصد از مجموع فعالیتهای‏ این رشته تولید،متعلق به مجتمع تغلیظ گاز و پتروشیمی‏ است.رشته‏های تولید اقتصادی این ناحیه را می‏توان به‏ قرار زیر تقسیم کرد:

1-کشاورزی 2-دامپروری 3-شیلات 4-کانیها 5-نفت‏ و گاز 6-صنایع سبک 7-جهانگردی 8-حمل و نقل

کشاورزی

آب فراوان و هوای آفتابی این ناحیه را برای کشاورزی‏ بسیار مستعد ساخته است.علفزارهای پهناور آسترا خان‏ مرتعهای خوبی برای دامپروری می‏باشد.کشاورزی‏ آسترا خان به صورت بوستانهای میوه‏زا و سبزیکاری‏ و تاکستانها جلوه‏گر است.تولید میوه‏هائی از قبیل‏ گوجه‏فرنگی،بادمجان،کلم،هندوانه و انگور از رونق فراوان‏ برخوردار است.برنجکاری هم در این ناحیه رواج دارد.

دامپروری

در دامپروری گوسفندداری رونق عمده دارد،به خصوص‏ آنکه گوسفندهای این ناحیه پشمی بهم پیچیده،نرم‏ و براق دارند،و مطلوب بازارهای روسیه و ایروان و اروپا می‏باشند.در سالهای اخیر پرورش اسب و شتر هم در این‏ ناحیه رواج یافته و از جمله مشاغل است.

شیلات

پرورش ماهی رواج دارد،ولی مستلزم توسعه فنی از طریق احداث حوضهای ماهی‏پروری و نیز سرمایه‏گذاری‏ برای چند قسم ماهی مرغوب مانند آزاد،شاهماهی، سگماهی است.

صنعتهای سبک

ناحیه آسترا خان را باید از حیث صنعت،ناحیه‏ای چند جنبه‏ای نامید،چه بسیار قسمتهای صنعتی سبک توسط مردم به هر شکل تولید می‏شود،از قبیل چوب و فیبر چوب، مقوا،کاغذ،آجر و کالبدهای ساختمانی،فیبر شیشه‏ای، فرآورده‏های لاستیک(اتومبیل)،کمپرسورها برای یخچال‏ و فریزر،چرم خیاطی،تجهیزات فلزبری،چکشهای کوبنده‏ صنعتی،سکوهای شناور حفاری،لوازم رنگرزی و لوله‏ کشی،تلمبه و مته،کشتی‏سازی و سکوهای حفاری‏ برونکرانه( OFF-SHORE ).

کانیها

رونق اقتصادی آسترا خان مرهون ذخیره‏های معتنابه‏ کانی است که چند قسم آن به هم پیوسته‏اند و تولیدات گاز و نفت و سوخت را فراهم می‏کنند.

بارآوری این ذخیره‏های گاز فوق العاده است،و یکی از مهمترین منبعهای انرژی و ماده خام برای صنعت شیمی‏ است.خصیصه بارز این ذخیره وجود بستری عمیق از گاز و تمرکز زیاد هیدروژن سولفوره( H2S )است.این مجتمع‏ عظیم گاز از 1986 آغاز به کار کرده است.از مجموع حجم‏ گاز فرآیند شده دریافتها چنین است:99%گوگرد،95% پنتان،25%بوتان،و 20%پروپان.توسعه مجتمع در حال‏ اجراست و فاز دوم آن در دست ساختمان است.مجموع‏ ذخیره نفت 120 میلیون تن برآورد شده و مجموعه انواع‏ گازها 7 میلیارد تن.هم‏اکنون آسترا خان یک تولیدکننده‏ سوخت( FUEL )شده است،به خصوص پس از کشف‏ ذخیره‏های بزرگ زیرزمینی در نزدیکی دهکده‏ اکسارایسک( AKSARAISK )به وسعت 000،300 کیلو متر مربع.

دیگر از منبعهای کانی حاصل،رسوبهای رود و دریاست، همچون رس،شن،ماسه و نمک.همچنین کانهای گچ و آهک‏ مورد بهره‏برداری است.80%از نمک مصرف روسیه از این‏ ناحیه تأمین می‏شود.

جهانگردی

ناحیه‏ای با این جاذبه‏های گوناگون آب و خاک و جنگل و غذا و مردم متفاوت و با استعداد و تولیدهای صنعتی متنوع‏ قابلین جذب جهانگردان برای تماشا و تفریح و تندرستی‏ را دارد-البته با ملاحظه تنگی وسعت خاک.برآورد می‏شود که برای 000،50 تن می‏توان استراحتگاه احداث کرد.برای‏ ماهیگیری به عنوان ورزش 50 جا،همچنین جاهائی برای‏ صد و شکار.جاهای طبیعی حفاظت شده،یادمانهای‏ تاریخی و دیگر چیزهای فریبا خود دعوت‏کننده‏ جهانگردان است.همچنین حمامهای آبگرم معدنی و گل‏ و لجن برای تندرستی.

حمل و نقل

در این ناحیه کوچک که هم جمعیت فشرده است و هم‏ مرکزهای فعالیت تولید تنگاتنگ.توسعه راهها و وسیله‏های حمل و نقل زداه موقعیت جغرافیای طبیعی آن‏ است.نخست آبراهه رود بزرگ و طولانی ولگا.سپس‏ آبراهه‏های کوچکتر بین دو رود ولگا و آختیوبا که همه قابل‏ ناو رانی‏اند.و سوم دریای خزر که آسترا خان را به چند کشور مجاور وصل می‏کند.بندر آسترا خان از سپتامبر 1995 به‏ روی کشتیهای خارجی باز شد،و در این زمینه حمل و نقل‏ دریائی از و به ایران توسعه یافته است،به خصوص با کشتیهای باربر ایرانی که در 1994 هزار تن،و در 1996 به‏ 880 هزار تن بالغ شد.و در 1997 برآورد طرح‏ریزی برای‏ حمل و نقل فراگذار از و به ایران بیش از یک میلیون تن‏ است.

نتیجه‏گیری:

نتیجه آنکه آسترا خان هم برای فدراسیون روسیه و هم‏ برای ایران ار هز نظر و به ویژه از نگر اقتصادی دارای ارزش‏ ویژه است و از جایگاهی درخور توجه برخوردار و به جرئت‏ تنها نقطه ایست که می‏تواند برای سرمایه‏گذاری مشترک‏ مورد توصیه قرار گیرد.آبادانی و رونق آتی آسترا خان از جمله مقوله‏های اجتناب‏ناپذیرست،بنابراین مورد توصیه‏ برای کار و سرمایه‏گذاری باشد.

مهر آفرین

بررسی سهم گروههای مختلف در صادرات‏ غیرنفتی در برنامه دوم توسعه

از:سعید انتصاری

جدول شمارهء یک‏ (ارقام به میلیون دلار) توسعه صادرات غیرنفتی یکی از مهمترین اهداف دومین‏ برنامه پنجساله توسعه اقتصادی-اجتماعی می‏باشد. اجرای نخستین برنامه پنجساله توسعه و ایجاد تحولات‏ زیربنایی در ساختار اقتصادی کشور و افزایش تولید ملی‏ و ایجاد تسهیلات برای بازرگانی خارجی،امکان رونق‏ صادرات غیرنفتی در برنامه اول را فراهم ساخت.در این بین‏ رشد صادرات غیرنفتی از عملکردهای مثبت اقتصادر در چند سال گذشته تلقی می‏گردد.

با در نظر گرفتن سیاسیت‏های اجرا شده این نتیجه به دست‏ می‏آید که طی سال‏های گذشته،سیاست‏ها و اقدامات‏ تشویقی دولت توانسته است تاثیر مثبت بر صادرات‏ کالاهای غیرنفتی به جای گذارد.اما مفهوم این نیست که‏ کلیه سیاستهای دولت در این زمینه در یک بستر برنامه‏ریزی شده توانست این نتیجه را به بار آورد.با این‏ حال سرمایه‏گذاری بیش از یکصد میلیارد دلار در ساختار اقتصادی-صنعتی کشور در دوران اجرای برنامه اول‏ زمینه‏هایی برای رشد تولید ملی و رونق صادرات‏ غیرنفتی در برنامه فراهم ساخته است.

در قانون برنامه دوم نیز خطمشی‏هایی در جهت کاهش‏ وابستگی اقتصادی کشور به درآمدهای حاصل از فروش‏ نفت خام و توسعه صادرات غیرنفتی عنوان شده است. رئوس این برنامه‏ها عبارت است از:

اصلاح قانون صادرات و واردات و اتخاذ سیاست‏های‏ ارزی و تعرفه‏ای مناسب برای تشویق صادرات

حمایت از سرمایه‏گذاری در جهت افزایش ارزش‏ افزوده صنایع تبدیلی کشاورزی،معدنی،صنعتی و حمایت‏ از صادرکنندگان با فراهم نمودن تسهیلات،ارایه خدمات‏ و اطلاعات مورد نیاز.

منسجم نمودن تشکیلات موجود در زمینه صادرات

تقویت بانک توسعه صادرات در جهت کمک به‏ صادرکنندگان

تقویت صندوق ضمانت صادرات و ایجاد سیستم‏ بیمه صادراتی

استفاده موثر از مناطق آزاد تجاری برای توسعه‏ صادرات و صادرات مجدد

کمک به بازاریابی کالاهای تولیدی در داخل از طریق برگزاری نمایشگاهها و...

نظارت و ارزیابی مستمر بر فعالیت امور صادرات‏ غیرنفتی

اتخاذ سیاستهای ارزی و اعتباری مناسب جهت‏ صادرات

برقراری مشوق‏های صادراتی در صورت لزوم

برگشت دادن حقوق و عوارض گمرکی کالاهای‏ صادراتی

اختصاص سهمی از تولید به صادرات

استفاده از مواد اولیه مرغوب در کالاهای صادراتی

استفاده از بسته‏بندی‏های مطلوب برای صادرات

انطباق استانداردها با سلیقه کشورهای واردکننده

عملکرد صادرات غیرنفتی در سال 75 و مقایسه آن‏ با سال‏های قبل مبنای مناسبی را برای مشاهده و تحلیل‏ روندهای موجود در این زمینه به دست می‏دهد.در سال‏ 1375 حدود 509/629/6 تن کالای غیرنفتی به ارزش‏ 5619 میلیارد ریال،معادل 3211 میلیون دلار به خارج از کشور صادر شده است.این ارقام در مقایسه با صادرات‏ غیرنفتی در سال 1374،از لحاظ ارزشی 4/1%و از لحاظ وزنی 05/1%افزایش را نشان ی‏دهد اما از لحاظ قیمت‏ واحد تغییر محسوسی در آن مشاهده نمی‏گردد.میزان‏ صادرات غیرنفتی در شال 74 حدود 698/857/6 تن به‏ ارزش 5540 میلیارد ریال معادل 1365 میلیون دلار بوده‏ است.جدول شماره یک ارزش صادرات بخش‏های‏ مختلف اقتصاد در طی سال‏های 74 و 75 را نشان می‏دهد. از بررسی ارقام جدول بالا این نتایج به دست می‏آید که، ارزش صادرات بخش صنعت نسبت به سال 74 حدود 360 میلیون دلار افزایش داشته است(34%)،و این نشاندهنده‏ توسعه صادرات کالاهای صنعتی است.در بین کالاهای‏ صنعتی اقلامی نظیر انواع گازها،ملبوس آماده،ماکارونی‏ و مصنوعات پلاستیکی رشد چشمگیری نشان داده‏ و کالاهایی نظیر آهن آلات و فولاد،مواد غذایی،مس روند کاهشی را طی کرده‏اند.در بین سایر گروهها نیز دو دسته‏ کالا وجود دارد.برخی نسبت به سال 74 کاهش و برخی نیز نسبت به 74 افزایش داشته‏اند.ارزش صادرات کالاهای‏ کشاورزی نیز رشد مناسبی داشته است(16%)،در این بین‏ ارزش صادرات فرش و صنایع دستی حدود 322 میلیون‏ دلار نسبت به سال 74 کاهش داشته است.

جدول شماره دو ارزش دلاری صادرات کشور(برحسب‏ میلیون دلار)را به تفکیک گروه‏های ختلف طی سال‏های‏ 70 الی 75 نشان می‏دهد.براساس این جدول کلالاهای صنعتی از سال 70 الی 73 روند صعودی پیدا کرده و رشد فزاینده‏ای را نشان می‏دهد.صادرات کالاهای کشاورزی‏ طی سال‏های 70 الی 73 روند صعودی داشته،در سال 74 نیز میزان صادرات آن کاهش و در سال 75 مجددا افزایش‏ داشته است.صادرات مواد معدنی و کلوخه‏های کانی نیز طی این دوره 6 ساله دارای نوسانات زیادی بوده است.

صادرات فرش و صنایع دستی در سال 70 به خاطر افزایش نرخ خرید ارزهای صادراتی و حذف برخی‏ تشریفات به رقم 1145 دلار رسید.در سال 71،صادرات‏ فرش حدود 4%نسبت به سال 70 کاهش پیدا کرد و به‏ 1095 میلیون دلار رسید.در سال‏های 72 و 73 نیز صادرات‏ فرش روند صعودی را طی کرده است.اما در سال‏های‏ 74 و 75،صادرات صادرات فرش بسیار افت نموده است و در کاهش‏ ارزش صادرات غیرنفتی در طی سال فوق تاثیر به سزایی‏ داشته است.ارزش صادرات قرش در سال 75،از تمامی‏ سال‏های این دوره کمتر بوده است.

جدول شماره سه سهم گروههای مختلف در صادرات‏ کشور را در طی سال‏های 70 الی 75 نشان می‏دهد.(ارقام‏ جدول به درصد می‏باشد)ارقام جدول گویای آن است که، در سال 70 صادرات فرش و صنایع دستی با اختصاص 44% از کل صادرات کشور در آن سال در مقام نخست و کالاهای‏ کشاورزی با اختصاص 27%از کل صادرات در ردیف دوم‏ جدول قرار گرفته است.در این سال سهم کالاهای‏ کشاورزی،فرش و صنایع دستی به ترتیب به 1/28%و 19% تقلیل یافته است.

پس از بررسی وضعیت صادرات غیرنفتی در طی‏ سال‏های 70 تا 75،به بررسی وضعیت بخش‏های مختلف‏ صنعت،کشاورزی،فرش و صنایع دستی از زمان اجرای‏ برنامه پنجساله دوم توسعه تا آخر سال 75 می‏پردازیم. (سال 75 بدین خاطر انتخاب گردیده است که آمارهای آن‏ کاملا در دسترس می‏باشد)هرچند که سال 73 نه جز سال‏های برنامه اول و نه برنامه دوم به حساب می‏آید،اما به خاطر اهمیت تحولات در طی این سال،تحولات‏ صادرات در بخش‏های مختلف را از این سال مورد تحلیل‏ قرار می‏دهیم.

جدول‏های ذیل صادرات کشور را به تفکیک بخش‏های‏ مختلف اقتصادی برحسب ارزش،وزن و سهم هر بخش از کل صادرات در طی سال‏های 73 الی 75 نشان می‏دهد.به‏ جز کالاهای صنعتی و کشاورزی که نسبت به سال 74 هم‏ از لحاظ وزن و هم از لحاظ ارزش بیشترین کاهش را داشته‏اند(به ترتیب 68%-،56%-)فرش و صنایع دستی‏ در سال 75،از لحاظ وزنی 36%و از لحاظ ارزشی 35% نسبت به سال 74 کاهش داشته است.فرش و صنایع‏ دستی طی سال 73 با اختصاص 38%از سهم صادرات به‏ خود رتبه اول را داشت،و در سال 74 با سهم 5/29%به رتبه‏ دوم و در سال 75 با سهم 19%به رنبه سوم تنزل پیدا کرده‏ است.در حقیقت در سال 75 قیمت هر واحد فرش نسبت به‏ سال 74 حدود 17%کاهش داشته است.

کالاهای صنعتی

در سال 75 حدود 727/927/4 تن کالای صنعتی به ارزش‏ 2480 میلیارد ریال،معادل 1417 میلیون دلار به خارج از کشور صادر شده است.این ارقام نسبت به صادرات‏ فراورده‏های صنعتی در سال 74 از لحاظ وزن 21%از لحاظ ارزشی 34%و از لحاظ قیمت واحد 12%افزایش را نشان‏ می‏دهد.میزان صادرات کالاهای صنعتی در سال 74 حدود 478/088/4 تن به ارزش 1849 میلیارد ریال،معادل‏ 1056 میلیون دلار بوده است.بالا بودن رشد ارزش صادرات‏ صنعتی در قیاس با رشد وزنی،بانگر افزایش ارزش افزوده‏ این کالاها می‏باشد.

صادرات صنعتی طی سال 75 نست به سال قبل‏ حدود 360 میلیون دلار افزایش داشته است(34%رشد). این رشد جایگاه صادرات کالاهای صنعتی در صادرات‏ غیرنفتی را از 33%به 44%رسانده،و فضای بیشتری‏ در مجموعه صادرات غیرنفتی برای محصولات صنعتی‏ را نشان می‏دهد.

لباس آماده،انواع گازها،مواد شیمیایی،آهن آلات، ماکارونی و مصنوعات پلاستیکی از مهمترین کالاهای‏ صادراتی در این گروه به حساب آمده،و در مجموع بیش از 50%صادرات این بخش را به خود اختصاص داده است. (سهم هر کالا به ترتیب 15%،11%،11%،7%،4%،و 4%بوده‏ است).ملبوس آماده با رشدی حدود 177%نسبت به سال‏ قبل در بین کالاهای صنعتی رتبه اول را کسب کرده است.

در بین محصولات صنعتی به جز اقلامی که در سال‏های‏ قبل صادرات نداشته و در سال 75 صادرات آنها بسیار چشمگیر بوده نیز انواع گازها و پلی‏اتلین و ماکارونی و... برخی از اقلام نیز در مقایسه با سال 74 رشد فزاینده‏ای‏ داشته است.اقلامی که دارای بیشترین رشد از لحاظ ارزش‏ بوده عبارت است از:

رب گوجه‏فرنگی 228%،کیف و کفش چرمی 214%، ملبوس آماده 177%،کفش و دمپایی غیرچری 134% و پودر لباسشویی 139%،در این بین صادرات محصولات‏ فلزی نظیر آهن آلات و فولاد،مس و مس آند و کاتد نسبت‏ به سال 74 کاهش داشته است.

از سوی دیگر با توجه به توسعه صنایع پتروشیمی در کشور و امکانات عظیم صادراتی این بخش،این صنایع‏ در افزایش صادرات صنعتی نقش به سزایی داشته است. بالغ بر 500 میلیون دلار از صادرات بخش صنعت یعنی‏ بیش از 33%از آن را صادرات فراورده‏های پتروشیمی‏ تشکیل می‏دهد.

کالاهای کشاورزی

عملکرد بخش کشاورزی در سال 75 در مجموع نسبت به‏ سال قبل مثبت بوده و روند صعودی داشته است.صادرات‏ کالاخای کشاورزی از نظر وزن 19%و از لحاظ ارزش 16% نسبت به سال 74 رشد داشته است.در سال 75 بالغ‏ بر 555/890 تن فراورده‏های کشاورزی به ارزش 1579 میلیارد ریال معادل 902 میلیون دلار به خارج صادر شده‏ است.در حالی‏که میزان صادرات بخش کشاورزی در سال‏ 74 حدود 972/749 تن به ارزش 1359 میلیارد ریال‏ معادل 766 میلیون دلار بوده است.

اقلام عمده صادرات کشاورزی به ترتیب پسته و مغز پسته،پوست و انواع سالامبور،کشمش و انواع آن،روده، پنبه و خاویار می‏باشد که سهم هرکدام به ترتیب‏ (53%،9%،5%،4%،3%و 3%)است.صادرات پسته که‏ مهمترین محصول از کالاهای کشاورزی می‏باشد از لحاظ وزنی 16%و از لحاظ ارزشی 12%نسبت به سال 74 رشد داشته است.

در بین کالاهای کشاورزی پنبه بیشترین رشد را داشته‏ است،صادرات پنبه از 4/.میلیون دلار در سال 74،به 8/30 میلیون دلار در سال 75 رسیده است.اگر این روند افزایشی‏ ادامه پیدا کند،مطمئنا پنبه همیشه در صدر لیست‏ کالاهای کشاورزی قرار خواهد داشت.به جز قلم از کالاهای کشاورزی،نظیر پشم،کرک و مو،خربزه،طالبی، خاویار،گاو،گوسفند و بز که از نظر وزنی و ارزشی نسبت به‏ سال 74 کاهش داشته‏اند،سایر کالاهای سیر صعودی را طی نموده‏اند.

از لحاظ قیمت واحد اکثر کالاهای کشاورزی طی سال 75 نسبت به سال 74 کاهش قیمت داشته است.بیشترین‏ کاهش قیمت واحد مربوط به خرما،نخود،مرکبات‏ و کشمش بوده که به ترتیب 34%-،21%-،27%-،10%- بوده است.زعفران نیز یکی از عمده‏ترین محصولات‏ کشاورزی می‏باشد که از تولید و صدور آن همه ساله ارز قابل توجهی وارد کشور می‏شود.این محصول در سال‏ جاری رشد بسیار خوبی داشته و از لحاظ وزنی 58%،از لحاظ ارزشی 64%و از لحاظ قیمت واحد 4%رشد نشان می‏دهد.

فرش و صنایع دستی

صادرات فرش و صنایع دستی در سال 75،به میزان‏ 963/22 تن و به ارزش 096/1 میلیارد ریال،معادل 611 میلیون دلار بوده است.این ارقام گویای آن است که‏ صادرات این گروه،از لحاظ ارزش 35%،از لحاظ وزن 21% و از لحاظ قیمت واحد 7%نسبت به سال 74 کاهش داشته‏ است.میزان صادرات فرش و صنایع دستی در سال 74 حدود 844/289 تن و به ارزش 633/1 میلیارد ریال،معادل‏ 933 میلیون دلار به ثبت رسیده است.

اگر صادرات فرش را از سایر کالاها جدا کنیم،سایر کالاها در سال 75 نسبت به سال 74 حدود 16%افزایش داشته‏ است.رشد بسیار کم صادرات غیرنفتی،بیشتر به خاطر کاهش چشمگیر صادرات فرش بوده است.به‏طور متوسط در سال 1375 هر ماه حدود 50 میلیون دلار فرش صادر شده‏ است.در حالیکه میانگین صادرات ماهانه فرش در سال‏ 1374 حدود 77 میلیون دلار و در سال 1373 معادل 180 میلیون دلار بوده است.

در بهمن‏ماه سال 75 به علت مصوبه مجلس مبنی‏ بر تعلق 100%ارز حاصل از صادرات فرش به خود صادرکنندگان از ابتدای سال 1376،بازارین محصول‏ متزلزل شد و رقم صادرات آن به پایین‏ترین حد خود یعنی‏ 5/28 میلیون دلار رسید.

مواد معدنی و کلوخه‏های کانی

میزان صادرات مواد معدنی و کلوخه‏های کانی طی سال‏ 75 حدود 520/419 تن به ارزش 49 میلیارد ریال،معادل‏ 28 میلیون دلار بوده است.در مقایسه با سال 74 از لحاظ وزن 67%و از لحاظ ارزش 56%کاهش داشته،اما از لحاظ قیمت واحد 36%افزایش نشان داده است.در حقیقت‏ صادرات کالاهای معدنی بیشتر به سوی کالاهای باارزش‏ افزوده بیشتر سوق پیدا کرده است.کالاهایی نظیر سنگ‏ مولیبدن،سنگ روی و سنگ سرب از لحاظ ارزشی دارای‏ رشد بوده و سایر کالاهای معدنی نسبت به دوره قبل‏ کاهش نشان داده است.

در مجموع،آمارها نشان می‏دهند که از اهداف برنامه دوم‏ به دور مانده‏ایم،به طوری که صادرات غیرنفتی 4450 میلیون دلاری سال 73(ابتدای برنامه دوم)،در سال 75 به‏ 3211 میلیون دلار رسیده است که به‏طور متوسط 3/5% رشد منفی داشته است.این در حالی است که در برنامه دوم‏ رشد متوسط سالانه 4/8%هدف‏گذاری شده است.به‏ عبارت دیگر طی سال‏های سپری شده از برنامه دوم،نه‏ تنها به اهداف برنامه دست نیافتیم(رشد سالانه 4/8%) بلکه با رشد منفی 3/5%از نقطه آغازین برنامه(سال 73) دور شده‏ایم.

چین و دستیابی به‏"فرود ملایم‏"اقتصادی

ترجمه و نگارش:ماندا شمیرانی

کشور چین از زمان اتخاذ یک سری اصلاحات اقتصادی‏ معطوف به بازار در سال 1978،توانسته است به رشد سریع‏ اقتصادی و تجدید ساختار بنیادی در نظام اقتصادی کشور دست یابد.

تولید ناخالص داخلی این کشور از سال 1978،سالانه به‏ طور متوسط 10 درصد رشد یافته و یک بخش غیردولتی‏ پویا-که حدود دو سوم محصولات صنعتی را تولید می‏کند- شکل گرفته است.در حال حاضر بیشتر مبادلات براساس‏ قیمتهای بازار(جاری)انجام می‏شوند و نقش تجارت‏ خارجی نیز در کنار سرمایه‏گذاری خارجی گسترش‏ یافته است.امّا با این حال اقتصاد چین غالبا بادورهای‏ کاهش در مخارج،گرچه کوتاه‏مدت،مواجه بوده است.

روند صعودی اقتصاد همواره با افزایش سریع تورم و بدتر شدن وضعیت بازرگانی خارجی همراه بوده،در حالی‏که‏ تقاضای داخلی نیز به سرعن افزایش یافته است. در آخرین دور که در سال 1991 و با حرکتی در جهت رشد سریعتر و ایجاد اصلاحات آغاز شد،اقتصاد کشور با نقطه اوج‏ ناشی از سرمایه‏گذاری و شتاب تورم مواجه گشت.به‏ هرحال مقامات چین توانستند با کمک ابزارهای تثبیت‏ پایدار تا سال 1997 برای اولین بار به یک‏"فرود ملایم‏ اقتصادی‏"طی دو دهه گذشته دست یابند.

نرخ تورم سالانه مربوط به بهای کالاها و خدمات مصرفی‏ از 22 درصد در سال 1994 به 6 درصد در سال 1996 کاهش یافت این در حالی بود که تولید ناخالص داخلی‏ واقعی کشور در مدت مشابه از 6/12 درصد به 7/9 درصد تعدیل شد.شرایط مناسب کلان اقتصادی تا سال 1997 همچنان ادامه یافت به طوری که تولید ناخالص داخلی‏ واقعی طی سه ماهه اول سال نزدیک به 4/9 درصد رشد داشت و تورم بهای کالاها و خدمات مصرفی شتاب خود را از دست داد و به‏طور متوسط به 3 درصد در سال رسید.

افزایش ناگهانی سرمایه‏گذاری و پیامدهای آن

سالهای پس از آغاز اصلاحات معطوف به بازار به چهار دوره کلی تقسیم می‏شوند:سالهای 1979 تا 81،سالهای‏ 1982 تا 86،سالهای 1987 تا 90 و سالهای 1991 تاکنون‏ (نمودار شماره 1).طی دور اخیر-که تا حدی گسترده‏تر از دورهای قبلی است-تقاضای کلی در جریان صعود اقتصادی عمدتا ناشی از سرمایه‏گذاری ثابت بوده است.

شتاب بخشیدن به رشد اعتبارات باعث صعود سرمایه‏گذاری شد و این در حالی بود که سرمایه‏گذاری‏ ثابت نیز توسط شرکتهای دولتی طی سه ماهه اول سال‏ 1993 نزدیک به 70 درصد رشد یافت.رشد قوی‏ سرمایه‏گذاری،نسبت سرمایه‏گذاری ثابت به تولید ناخالص داخلی را در سال 1993 تا 7/3 درصد بالا برد،در این حالت فشار تقاضا ظاهر شد و در اوایل سال 1993 تورم در شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی به‏ سرعت شتاب گرفت.از اواسط سال 1993 مقامات دولت‏ چین دست به اتخاذ برنامه‏ای شانزده موردی در جهت به‏ اصطلاح آرام کردن اقتصاد"،زدند.

از جمله روشهای اتخاذ شده به منظور رفع مشکل مذکور می‏توان به بالا بردن نرخهای بهره،محدود کردن حجم‏ اعتبارات بانکها و کنترل شدید بر وامهای خارج از برنامه‏ اعتبارات اشاره نمود.

امّا با این حال برنامه تعدیل در مهار سریع تورم شکست‏ خورد،در حالی‏که بهای کالاها و خدمات مصرفی در اکتبر سال 1994،به میزان 25 درصد بیش از مدت مشابه در سال قبل بود.از اواخر سال 1994،اقتصاد چین رفته رفته‏ در اثر برنامه تعدیل شروع به‏"آرام شدن‏"کرد.طی دو سال‏ بعد،تورم به‏طور قابل ملاحظه‏ای پائین آمد به طوری که‏ در دسامبر سال 1993 به نرخ کمتر از 5 درصد در سال‏ رسید،در عین حال نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی نیز شدت قبلی خود را از دست داد.همچنین نرخ رشد سرمایه‏گذاری تعدیل شد،گرچه نسبت سرمایه‏گذاری به‏ تولید ناخالص داخلی تنها کمی کاهش یافت و نسبت به‏ دورهای قبلی در سطح بالاتری باقی ماند.

وجود ظرفیت اضافی و تأثیر آن بر "فرود ملایم‏"

این باور وجود دارد که شماری از عوامل مختلف در "فرود ملایم‏"چین دخالت داشته‏اند.این عوامل عبارتند از: انقباض تدریجی سیاستهای اقتصادی-به ویژه‏ سیاستهای مربوط به موافقتنامه‏های سرمایه‏گذاری‏ و سیاستهای پولی-و افدام در جهت تثبیت و پایدار نگاه‏ داشتن این سیاستها.

بهبود یافتن ساختار اقتصادی چین و در کنار آن پدید آمدن یک بخش غیردولتی پویا که سهم بزرگتری از تولید ناخالص داخلی داشته است

توجه بیشتر به ترکیب و بازدهی سرمایه‏گذاری

اجرای اصلاحات ساختاری در جهت افزودن توجه به بازار و آزاد سازی اقتصادی،و

برداشت بی‏سابقه محصول غله در سال 1996 که موجب‏ شد قیمت مواد غذایی به سرعت کاهش یابد.در عین حال‏ وجود ظرفیت کافی به نحوی که توانسته باشد افزایش‏ سریع سرمایه‏گذاری ثابت را جذب کند،ممکن است به‏ "فرود ملایم‏"اقتصاد چین کمک کرده باشد.

اگرچه مخارج سرمایه‏گذاری در ابتدا تقاضای کل را بیشتر از عرضه افزایش می‏دهند-که این خود منجر به افزایش‏ فشارهای تورمی می‏شود-نهایتا به افزایش در ظرفیت‏ و تولید بالقوه منتهی می‏شود که این خود قادر خواهد بود از فشارهای تورمی بکاهد.

در نتیجهء افزایش ناگهانی سرمایه‏گذاری ثابت به احتمال‏ زیاد موجودی سرمایه نیز افزایش می‏یابد و با توجه به‏ اینکه چین از نیروی کار چشمگیر در بخش کشاورزی و نیز در شرکتهای دولتی برخوردار است این مسئله منجر به‏ افزایش موقتی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بالقوه‏ خواهد شد.رشد سریع تولید ناخالص داخلی بالقوه‏ می‏تواند به رغم رشد قوی تولید ناخالص داخلی واقعی‏ و مداوم شرایط"فرود ملایم‏"را فراهم سازد.

اقتصاد نیرومند و پنهان ساختن‏ نابرابری‏ها

اگرچه عملکرد اقتصادی چین بسیار درخور توجه بوده‏ است.امّا با این حال تصویر قوی اقتصاد کلان بسیاری از نابرابری‏های قابل ملاحظهء درآمدی را پنهان‏ می‏سازد(نمودار شماره 2)

طی سالهای دههء گذشته نابرابری‏های درآمدی در چین‏ وسیعتر شده است به طوری که عدم تساوی بین افراد، مناطق و نواحی شهری و روستایی گسترش یافته است.این‏ روند برخلاف روند اواخر دهه 1970 و اوایل دهه 1980 است.در این زمان اصلاحات مهم کشاورزی توانست درآمد روستائیان را به‏طور متوسط تا 60 درصد درآمد افراد در نقاط شهری افزایش دهد و میلیونها نفر از مردم راز فقر خارج‏ سازد.

امّا پس از سال 1984،حرکت به سمت تساوی بیشتر درآمدها تغییر جهت دارد به طوری که روند کاهش فقر دچار توقف گردید و شکاف درآمدی بین مناطق شهری‏ و روستایی وسیعتر شد.نابرابری‏های درآمدی بین مناطق‏ شهری و روستایی طی سالهای نیمهء دوم دههء 1980 بیشتر و بیشتر شد و در کنار آن نرخ رشد مناطق نیز از یکدیگر دور می‏شد.

ادامه نابرابری‏های درآمدی مهاجرت از نواحی روستایی‏ به شهرهای بندری را تشدید کرد که این خود منجر به رشد "جمعیت شناور"گردید که در سال 1995 تعدادشان نزدیک‏ به 100 میلیون نفر برآورد شده است.

سیاستهایی که در جهت رفع نابرابری‏های درآدمدی‏ و منطقه‏ای اتخاذ شده است نه تنها انتقالات داخلی دولت‏ و به نفع مناطق زیان دیده را دربرمی‏گیرد،بلکه شامل توسعه‏ اصلاحات در جهت اقتصاد مبتنی بر بازار و تشویق‏ سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی در داخل چین را نیز شامل‏ می‏شود.مقامات کشور چین بر اهمیت افزایش‏ سرمایه‏گذاری در مناطق روستایی تأکید دارند و برخی از سیاستهای ترجیحی منطقه‏ای را در نواحی ساحلی به‏ منظور هدایت سرمایه‏گذاری‏ها به استانهای داخلی کشور، کنار گذاشته‏اند.به علاوه حرکت مهمی که در سال 1993 به‏ منظور کاستن از فشار فقر آغاز شد توانست از نرخ فقر در نواحی روستایی به‏طور قابل ملاحظه‏ای بکاهد؛این‏ سیاست در پی آن است که تا سال 2000،سطح زندگی 50 تا 60 میلیون نفر فقیر روستایی باقی مانده را بهبود بخشد.

اصلاحات بخش خارجی و افزایش آزادی‏ اقتصادی

یکی از اقدامات مهم در اصلاحات اقتصادی چین طی دو دههء گذشته،آزاد ساختن تدریجی بخش خارجی اقتصاد بوده است.تا پیش از سال 1978،سیستم ارزی و مبادلات‏ بازرگانی این کشور براساس برنامه‏های تدوین شدهء تجارت خارجی و سیستم ارز بوده که آنها نیز خود بخشی از نظام برنامه‏ریزی اقتصادی کلی بودند،به طوری که هم‏ چگونگی تخصیص ارز را و هم صادرات و واردات را کنترل‏ می‏کرد.در چنین شرایطی نقش واردات تنها تأمین‏ تقاضای داخلی برای مواد اولیه و کالاهای سرمایه‏ای بود و نمودار(1) چین:رشد تولید ناخالص داخلی و تورم‏ (درصد)

 نمودار(2) چین:تولید ناخالص داخلی سرانه در مناطق مختلف 1992 (دلار)

 صادرات نیز به منظور فراهم آوردن ارز خارجی مورد نیاز برای واردات برنامه‏ریزی شده بود.در نتیجه کشور چین طی‏ این دوران عموما با ما زاد موازنه پرداختها مواجه بود. هرگونه استقراض خارجی نیز توسط برنامه‏های مربوط به‏ وامهای خارجی شدیدا کنترل می‏شد؛بنابراین نسبت‏ بدهی به تولید ناخالص داخلی تقریبا ناچیز بود و اقتصاد کشور عملا به سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی وابسته بود.

از اواخر دههء 1970،مقامات کشور چین اصلاحات‏ گسترده‏ای را در جهت آزاد سازی اقتصادی در پیش گرفتند. سیاستهای کشور عمدتا بر سیستم ارز و مبادلات بازرگانی‏ و نیز سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی متمرکز شد که‏ بسیاری از آنها توانستند هدفهای موردنظر را تأمین کنند. سیستم ارزی به یک نظام مبتنی بر بازار و با قابلیت تبدیل‏ حساب جاری موازنه پرداختها تبدیل شد و مبادلات‏ بازرگانی نیز از شکل برنامه‏ریزی متمرکز خارج شد.

سیاست درهای باز چین در جهت سرمایه‏گذاری خارجی در چهارچوب مناطق آزاد اقتصادی به‏طور مداوم‏ سرمایه‏گذاری خارجی را افزایش داد و از سال 1993 کشور را موجه با افزایش ناگهانی جریانهای ورودی سرمایه‏ گذاری مستقیم خارجی کرد.در این حالت مقامات،سایر جریانهای سرمایه‏ای را تحت کنترل باقی نگه داشتند و با آنکه بدهی‏های خارجی به‏طور قابل ملاحظه‏ای‏ افزایش یافته بود،امّا مقدار آن نسبت به حجم کل اقتصاد متعادل باقی ماند.

اصلاحات فوق اقتصاد را به نحو چشمگیری آزاد ساخت به‏ طوری که در سال 1996 نرخ رشد صادرات و واردات از نرخ‏ رشد تولید ناخالص داخلی پیشی گرفت.سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی از حدود 5 درصد در اوایل دههء 1980 به بیش از 15 درصد در سال 1996 افزایش یافت. با افزایش سریع سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی به ویژه‏ در سالهای اخیر،مشارکت شرکتهایی که با سرمایه خارجی‏ تشکیل شده‏اند و به سرعت گسترش یافت تا آنجا که تولید بیش از 16 درصد از محصولات صنعتی و نزدیک به 40 درصد صادرات به آنها نسبت داده می‏شود.

اصلاحات در شرکتهای دولتی

اقتصاد چین دارای بیش از 300 هزار شرکت دولتی است‏ که تأمین‏کنندهء یک سوم از تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص صنعتی و نیز نیمی از دارایی‏های ثابت ملی(به‏ جز زمین)می‏باشند.این شرکتها 13 درصد از جمعیت فعّال‏ اقتصادی را به کار می‏گیرند و در تأمین نزدیک به 70 درصد از درآمدهای عمومی دولت مشارکت دارند.عملکرد اقتصادی شرکتهای دولتی در سالهای اخیر دچار مشکل‏ شده است به طوری که از بخش غیردولتی عقب مانده‏اند و مواردی از قبیل کاهش سوددهی،افزایش موجودی‏های‏ فزایندهء صنعتی و نرخ پائین بهره‏برداری از ظرفیت‏ در برخی از بخشها،در آنها مشاهده شده است.یکی از دلایل عمده رکود فعالیت شرکتهای دولتی،پیدایش و رشد بخش پویای غیردولتی از زمان آغاز اصلاحات در چین‏ در سال 1978 است که رقابت بیشتری در بسیاری از صنایع‏ به وجود آورده است و عدم کارایی در استفاده از منابع‏ را در بخشهای اقتصادی تحت مالکیت دولت آشکار ساخته‏ است.به منظور مقابله با این مشکل،مقامات کشور چین‏ اصلاح نظام شرکتهای دولتی را طی دو سال اخیر به شدت‏ دنبال کردند.سیاستهای دولت موارد ذیل را شامل می‏شود: ابداع نظام مدیریت مشارکتی با تفکیک آشکار مالکیت‏ و مدیریت از یکدیگر.

تنگ‏تر کردن محدودیت بر بودجه شرکتها از طریق‏ کاهش سوبسیدهای مالی و انتقال جریان اعتبارات بانکها به سمت فعالیتهای تجاری.

لغو امکانات رفاهی اجتماعی و کاستن از نیروی کار اضافی.

تأمین مالی دوبارهء بدهی‏های انباشته شدهء شرکتها.

فراهم آوردن امکانات مالی جدید به منظور مدرنیزه‏ کردن صنایع و بهبود و توسعه فنی،و

تغییر مالکیت شرکتها از طریق فروش،ادغام،اجاره، انتشار اوراق مشارکت و یا تسویه و اعلام ورشکستگی.

منبع:بررسی صندوق بین الملل پول،ژوئیه 1997

شیلی:ثبات اقتصادی و افزایش هزینه‏های‏ اجتماعی

عملکرد اقتصاد شیلی در دهه 1990 بسیار چشمگیر بوده‏ است.در زمینه سیاستهای دوراندیشانه و بازارگرای‏ اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری فراگیر،میانگین‏ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی واقعی این کشور بین‏ سالهای 1990 و 1994،7 درصد بود،تورم از 27 درصد در سال‏ 1990 به کمتر از 9 درصد در سال 1994 کاهش یافت، و مالیه عمومی همچنان با ما زاد روبرو بود.در سال 1995، تولید ناخالص داخلی واقعی به 5/8 درصد رسید،در حالی‏که‏ تورم به 2/8 درصد کاهش یافت،و مالیه عمومی تا حدی‏ به خاطر افزایش قیمت مس به 8/2 درصد از تولید ناخالص‏ داخلی رسید.در طول 5 سال گذشته،موقعیت خارجی‏ شیلی تقویت شده است،و ذخایر خالص بین المللی بانک‏ مرکزی در اواسط سال 1996 به 7/14 میلیارد دلار افزایش‏ یافت.چشم‏انداز میان‏مدت شیلی،به رغم کاهش شدید قیمتهای اخیر مس مطلوب به نظر می‏رسد.

تعهد دولت برای بهبود شرایط اجتماعی سرعت پیشرفت‏ اقتصادی فراگیر را بیشتر کرده است.هزینه‏های اجتماعی‏ از 55 درصد مجموع هزینه‏های عمومی در سال 1990 به‏ 61 درصد افزایش یافت،و عمدتا به آموزش و پرورش، بهداشت و مسکن اختصاص یافته بود.در تمام این دوره، هزینه‏های اجتماعی به 13 درصد از تولید ناخالص داخلی‏ رسید،در حالی‏که مجموع هزینه‏های عمومی از 3/23 درصد در سال 1990 به 9/20 درصد از تولید ناخالص‏ داخلی در سال 1995 کاهش یافت.

دولت نیز میزان کمکهای نقدی به فقرا،بویژه مستمری‏ بگیران،را افزایش داد.مقامات کشور نیز مصمم‏ هستند تا موقعیت مالی قوی موجود را حفظ کنند. آنها افزایش هزینه‏های اجتماعی را با ترکیبی از افزایش‏ مالیاتها و کاهش سایر هزینه‏های عمومی جبران کرده‏اند.

در نتیجه اجرای این سیاستها،میزان‏ فقر از 40 درصد در سال 1990 به 5/28 درصد در سال‏ 1994 کاهش یافت.بیسوادی به کمتر از 5 درصد رسید و آموزش ابتدایی به صورت همه‏گیر درآمد.

پیشرفتهای چشمگیری در انواع شاخصهای اجتماعی‏ دیده شده است،ولی مقامهای شیلی بر این باورند که هنوز کارهای زیادی باقی مانده است.

آنها تصمیم گرفته‏اند وضعیت اجتماعی را از طریق کاراتر و هدفدارتر کردن هزینه اجتماعی بهبود بخشند.تلاش‏ آنها همچنان حول محور سرمایه انسانی-بویژه در زمینه‏ آموزش و پرورش-می‏چرخد تا فرصتهای مناسبی برای‏ افراد کم در آمد ایجاد شود و رقابتپذیری اقتصاد نیز تقویت‏ گردد.

اصلاح نظام آموزشی

مقامهای شیلی تلاشهای خود را روی آموزش و پرورش‏ متمرکز کرده‏اند تا اصلاحات ساختاری را اجرا کنند.بدین‏ ترتیب،توسعه میان‏مدت کشور و نیازهای اجتماعی به‏ تحقق خواهد پیوست.در اوت 1996،کنگره شیلی قانونی‏ را تصویب کرد که مبنای انجام اصلاح نظام آموزشی‏ کشور است.

در نظام آموزشی شدیدا غیرمتمرکز این کشور،مدارس‏ دولتی توسط مقامهای شهری اداره می‏شود. خانواده‏ها می‏توانند بین مدارس دولتی و مدارس خصوصی‏ یکی را انتخاب کنند.اگرچه میزان ثبت‏نام بسیار بالاست‏ و میانگین سالهای تحصیل در منطقه در بالاترین سطح‏ قرار دارد،ولی براساس بررسیهای اخیر دولت،کیفیت‏ آموزشی با توجه به انتظار مقامها پایین است.

در آغاز سال 1990،شیلی برای افزایش کیفیت آموزش‏ و پرورش گامهایی برداشت.در نتیجه،حقوق آموزگاران‏ و کیفیت آموزش بهتر شد،و قابلیت دستیابی به کتابهای متن‏ و سایر مطالب درسی افزایش یافت.در این میان، هزینه‏ها برای افزایش کیفیت آموزش دانش‏آموزان کم‏ درآمد،بویژه در مناطق روستایی،اختصاص یافت. در نتیجه این اقدامها،سهم هزینه‏های آموزش و پرورش‏ از کل هزینه‏های عمومی از 12 درصد در سال 1990 به 14 درصد در سال 1995 افزایش یافت.

یکی دیگر از اقدامهای آموزشی اخیر دولت شیلی، افزایش چشمگیر ساعات درسی است.براساس اصلاحات‏ پیشنهادی،ساعات روزانه درسی دانش‏آموزان سال سوم‏ تا دوازدهم از 5/4 تا 5/5 ساعت به 7/5 تا 3/6 ساعت‏ افزایش می‏یابد.با اصلاحات جدید،کیفیت تدریس به‏ خاطر افزایش آموزش و ارائه انگیزه‏های بهتر به آموزگاران‏ بهبود خواهد یافت.

همچنین،اصلاحات باعث افزایش بودجه مدارس‏ و ساخت کلاسهای اضافی برای 40 درصد از مدارس‏ کشور خواهد شد.در حال حاضر،این مدارس در دو نوبت‏ کار می‏کنند.براساس پیشبینی مقامهای شیلی،اصلاحات‏ مذبور از سال 1997 آغاز و در یک دوره 6 ساله‏ اجرا خواهد شد که 5/1 میلیارد دلار هزینه در بر خواهد داشت. بیشتر بودجه این برنامه از طریق تمدید 18 درصد مالیات‏ برارزش افزوده کنونی تامین خواهد شد،ولی برطبق قانون‏ این رقم از سال 1998 به 17 درصد کاهش می‏یابد.

اصلاح نظام آموزشی شیلی نمایانگر تلاش دولت‏ در جهت حفظ رشد سریع و بهبود توزیع درآمد،و در عین حال‏ کاهش فقراست،که تمام اینها از هدفهای اصلی دولت‏ از سال 1990 بوده است.تجربه شیلی در ایجاد شالوده قوی‏ اقتصاد کلان و پیگیری هدفهای اجتماعی که منشاء آن‏ استفاده مسئولانه و هدفدار از منابع بوده، بسیار چشمگیر است.با این حال،باید دید که این تجربه‏ تا چه اندازه قابل انتقال به سایر کشورهاست.

مأخذ:نشریه صندوق بین المللی پول اکتبر 1996

کره جنوبی: افزایش صادرات تولیدات الکترونیکی

براساس آمار و اطلاعات منتشره در نشریات کره جنوبی‏ صادرات تولیدات وسائل الکترونیکی در کره جنوبی در نیمه‏ اول سال جاری مسیحی با افزایش 1318 درصد نسبت به‏ دوره مشابه در سال گذشته به رقمی در حدود 53/21 میلیارد دلار بالغ شده است.گفته می‏شود این افزایش تا اندازه‏ای‏ کمتر از رقم پیش‏بینی بوده است که برای صادرات اینگونه‏ تولیدات قبلا اعلام شده بود.همین منابع اعلام کرده‏اند که‏ فروش لوازم خانگی به کشورهای خارجی در ماههای ژوئن‏ و ژوئیه سال جاری با حدود 2/8 درصد افزایش به حدود 4 میلیارد دلار رسیده است.ناگفته نماند که این رقم‏ در ماههای مشابه سال پیش حدود 9/8 درصد بوده است.

در نیمه دوم سال جاری مسیحی صادرات تلویزیون‏ رنگی،کامپیوتر و یخچال از کره جنوبی با افزایشی‏ در حدود 7/23 و 1/31 درصد روبرو بوده است،در حالی‏که‏ صادرات قطعات یدکی اتومبیل در همین دوره با 8/15 درصد کاهش به 820 میلیون دلار رسیده است.

صادرات اجاق‏های میکروویو و نوارهای کاست نیز با 9/7 درصد و 8 درصد کاهش در مقایسه با 6 ماهه سال گذشته‏ مواجه بوده است.

ناگفته نماند که در همین حال واردات کالاهای‏ الکترونیکی خارجی در کره جنوبی با 2/10 درصد افزایش‏ در شش ماه نخست سال جاری به 17/13 میلیارد دلار بالغ‏ شده بود.

 در حالی‏که صادرات کالاهای الکترونیکی به ژاپن در سال‏ گذشته حدود 60 درصد افزایش داشته است در سال جاری‏ این ارقام برای تلویزیون رنگی و یخچال با 30 درصد کاهش روبرو بوده است.

اکنون به نظر می‏رسد با در نظر گرفتن کاهش نرخ برابری‏ "ین‏"و پیش‏بینی ادامه این روند از سوی کارشناسان‏ و دست اندرکاران کاهش صادرات تولیدات الکترونیکی به‏ ژاپن همچنان ادامه خواهد یافت و رقم آن به رقم سال‏ پیش که حدود 4/5 میلیارد بوده خواهد رسید.

بدیهی است حجم صادرات سایر کالاهای الکترونیکی‏ مانند اجاق میکروویو و دستگاههای ویدئو نیز در سال جاری‏ بازار صادراتی سال گذشته خود به ژاپن را به دست‏ نخواهد آورد.

برخی صاحبنظران بر این باورند که تولید و صادرات‏ کالاهای الکترونیکی رفته رفته رو به ژاپن وارد و به‏ نظر نمی‏رسد در آینده نزدیک از رشد قابل توجهی برخوردار باشد،و این واقعیتی است که می‏تواند ناشی از اشباع‏ بازار باشد.جز آنکه گفته شود نوع کالاهای الکترونیکی به‏ گونه‏ای تغییر یابد که جامعه مصرف‏کننده ناگزیر به‏ استفاده از آن باشد.بدیهی است در این صورت نیز امکان‏ افزایش تولید و صادرات این کالاها نمی‏تواند بسان گذشته‏ چشمگیر پیش از رقم رشد اقتصادی بین المللی باشد.

مهر آفرین

با استفاده از نشریات

 ارقام داخل پرانتزها مربوط به رشد سال 1995 است.

هدف و ضرورت و آثار جنبی احداث و فعالیت بازارچه مرزی در استان ایلام و نقش آن در رونق تجارت و ایجاد اشتغال

استان ایلام در غرب کشور ایران از شمال به استان‏ کرمانشاه و از جنوب به خوزستان و از غرب به کشور همسایه عراق با مرزی معادل 430 کیلو متر قرار گرفته‏ است.با توجه به موقعیت جغرافیائی منطقه این استان از لحاظ جمعیتی دارای 487 هزار نفر در 7 شهرستان خلاصه‏ گردیده است.از تعداد کل جمعیت استان 19%نرخ بیکاری‏ استان می‏باشد که در کشور مرتبه نخست را به خود اختصاص داده است.لذا ضرورت احداث و تأمین بازارچه‏ مرزی در این استان جهت رفع معضل بیکاری و رونق‏ اقتصادی مفید و مؤثر می‏باشد.

بازارچه‏های مرزی با وجود اهمیت ناچیزی که در حجم‏ مبادلات مرزی در مجموعه تجارت خارجی دارد اما از جنبه‏های مختلف مهم تلقی می‏شود.بازارچه‏های مرزی‏ در تأمین نیاز مرزنشینان و ایجاد اشتغال و رونق مبادلات‏ اقتصادی منطقه تأثیر بسزایی دارد.در سالهای اخیر شمار بازارچه‏های مرزی افزایش یافته است.با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و تأسیس جمهوریهای تازه‏ استقلال یافته از شمال غربی تا شمال شرقی مرزهای‏ کشور مبادلات مرزی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده‏ است.

این بازارچه‏ها پایگاهی برای تبادل اطلاعات تجاری و تأمین نیازمندیهای اساسی ساکنان مرزها می‏باشد و به‏ تدریج نیز قانونمندتر و توسعه یافته‏تر خواهد شد لازم به‏ ذکر است مرزهای کشور همواره محل دادوستد غیرقانونی‏ (قاچاق)کالا بوده است.ساکنان مناطق مرزی اغلب‏ افرادی هستند که زمینه‏های مساعد برای اشتغال سالم‏ نمی‏یابند و به همین جهت به قاچاق و فعالیتهای‏ غیرقانونی برای کسب درآمد و امرار معاش روی می‏آوردند.

آن گروه از ساکنان مناطق مرزی که خواستار کسب‏ درآمدهای مناسب از فعالیتهای سالم اقتصادی بوده‏اند اغلب به لحاظ نیافتن زمینه‏های اشتغال این مناطق را رها کرده و به حاشیه شهرها مهاجرت می‏کنند.

مهاجرت ساکنان مناطق مرزی غالبا زمینه را برای از بین بردن امنیت و صلح فراهم می‏سازند و لذا حفظ ترکیب‏ جمعیتی مناطق مرزی از نظر حفظ امنیت و تمامیت ارضی‏ کشور اهمیت دارد.بنابراین تشکیل بازارچه‏های مرزی به‏ حفظ ثبات و امنیت در مرزها کمک کرده و مرزنشینان با حمایت نیروهای انتظامی تلاش شایسته‏ای در حفظ امنیت مرزها خواهند داشت زیرا آنها می‏دانند که هرگونه‏ ناامنی به تعطیل بازارچه مرزی می‏انجامد و در نهایت‏ زیان ناشی از آن را خود باید متحمل گردند.

محدوده جغرافیائی

اگر به نقشه جغرافیائی استان ایلام توجه نمائیم از شمال شرقی به قلب استان لرستان و از جنوب شرقی به‏ قلبب استان خوزستان کشیده شده است و شهرستان ایلام‏ که خود مرکز این استان می‏باشد تقریبا در شمال غربی‏ استان واقع گردیده است.از تعداد کل شهرستانهای تابعه‏ استان فقط سه شهرستان را می‏توان نام برد که با کشور عراق هم مرز است.1-ایلام 2-مهران 3-دهلران از میان این سه شهرستان مناسبترین شهرستان جهت ایجاد بازارچه می‏توان شهرستان مهران را انتخاب نمود که‏ خوشبختانه بعضی از تاسیسات لازم و ضروری از جمله‏ گمرک و پایانه مرزی احداث نقطه صفر بین المللی انجام‏ گردیده است و آماده بهره‏برداری می‏باشد.

کالاهای قابل صدور

نظر به این‏که در آیین‏نامه‏ها و مقررات مربوط به تولیت‏ احداث و صدور کارت پیله‏وری به اداره کل بازرگانی محترم‏ محول گردیده است،کالاهای قابل صدور به صلاح دید آن‏ اداره محترم می‏باشد.لذا در این طرح فقط می‏توان صادرات‏ کلیه کالاهای مجاز تولیدی استان را عنوان نمود.

ذکر این مطلب ضروری است کلیه کالاهای تولیدی‏ استان از لحاظ کیفی دارای درجه بالائی بوده و در قالب‏ رقابت با محصولات خارجی برابری دارند.

سقف ریالی و ارزی

نظر به اینکه مبلغ ریالی و ارزی مبادلات در بازارچه‏های‏ مرزی طبق قانون 211 مدنی ماده 20 ده میلیون دلار تعیین گردیده در کوتاه‏مدت می‏توان به این میزان اکتفا نمود.اما در بلند مدت این میزان با توجه به رشد بی‏رویه و روزافزون جمعیت و رشد نرخ بیکاری در استان کفاف‏ نمی‏نماید لذا لازم است جهت احداث منطقه آزاد تجاری با توجه با اینکه کشور عراق درصدد احداث منطقه آزاد تجاری در استان بصره است برنامه‏ریزی‏های مناسب و گسترده‏ای را طرح‏ریزی نمود.

اشخاص پیله‏وری

با توجه به میزان ارزی و ریالی مشخص شده در قانون‏ می‏توان جهت 1000 نفر کارت پیله‏وری صادر نمود که این‏ تعداد را می‏توان به نسبت شهرستانها تقسیم کرد.

نام شهرستان/جمعیت/تعداد افراد پیله‏ور

ایلام/15655 نفر/300 نفر

ایوان/45746 نفر/50 نفر

شیروان چرداول/76052 نفر/100 نفر

دهلران/72299 نفر/200 نفر

مهران/46981 نفر/200 نفر

دره شهر/53501 نفر/75 نفر

آبدانان/47652 نفر/75 نفر